

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: با توجه به طریقه نفی خواطر سید بحر العلوم که در زیر آمده طریقه نفی خواطر در رساله عرفانی علامه سید مهدی بحر العلوم لیکن در رساله منتسب به مرحوم بحر العلوم این طریق را اجازه نمی‌دهد و در آنجا اصرار شدیدی دارد بر آنکه نفی خواطر را باید بدون ذکر نموده و سپس وارد در مرحله ذکر شد چون نفی خواطر با شمشیر ذکر بسیار خطرناک است. در آنجا چنین گوید: بسیاری از متشیخین طیّ مرحله نفی خاطر را به ذکر می‌آموزند (بدیهی است که مراد از ذکر همان التفات و توجه قلبی است نه ذکر لسانی که در اصطلاح به آن ورد گویند) و این بسیار خطرناک است چون حقیقت ذکر عبارتست از ملاحظه محبوب و قصر نظر بر جمال از دور، و هنگامی تماشای محبوب جایز است که چشم از غیر او بالمرّه پوشیده شده باشد زیرا محبوب غیور است و از غیرت او اینست که چشمی که او را دید روا ندارد که دیگری را ببیند، و هر دیده‌ای را که از روی او برداشته و به دیگری نظر کند کور نماید، و دیدن او و دیدن غیر او منافی غیر اوست، و اگر این دیدن و روی بازداشتن تکرار شود به منزله استهزاء است، و محبوب چنان قفائی بر وی زند که نه سر جوید نه کلاه: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» «آیه ۳۶، از سوره زخرف»: «و هر که از یاد خدای رحمن چشم بپوشد شیطانی را برایش برانگیزیم که قرین و همراه وی باشد» بلی یک نوع از ذکر در نفی خواطر مجوّز است و آن اینست که غرض از ذکر نظر بر جمال محبوب نباشد بلکه مراد ردع شیطان باشد، مانند کسی که می‌خواهد غیر را از مجلس براند فلذا محبوب را می‌خواند، در اینجا غرض تهدید و تخویف غیر است. و آن بدین طریق است که در حالت اشتغال به نفی خواطر اگر خاطری به نوعی حمله کند که دفع آن بسیار مشکل و صعب باشد به جهت دفع آن به ذکر مشغول شود. اما طریقه محققین راه و واصلین آگاه آن است که در تعلیم مبتدئین و ارشاد ایشان اول امر به نفی خواطر کنند و سپس به ذکر پردازند. و برای نفی خواطر اول به سالک امر کنند که به یکی از محسوسات چون سنگی یا چوبی توجه کند و مدّتی چشم بدان بدوزد و مهما امکن چشم بر هم نگذارد و به جمیع قوای ظاهریّه و باطنیّه بدان متوجه شود. و بهتر اینست که اربعینی بدان مداومت کند، و در خلال این مدّت از سه ورد «استعاذه» و «استغفار» و ذکر «یا فعّال» استفاده نماید، و بعد از فریضه بامداد و شام بدین اذکار اشتغال ورزد. و پس از این مدّتی به قلب صنوبری خود توجه کند و مدّتی بر این مداومت نموده و بالکلّیه متوجه آن گردد و به جز خیال آن خیال دیگری را به خود راه ندهد، و در خلال این عمل اگر خاطری حمله کند و تشویشی روی دهد از کلمه لا موجود الا الله ۷۴ و کلمه الله استمداد جوید. و مدّتی بر این عمل مداومت نماید تا کیفیت بی‌خودی دست دهد. و ذکر در خلال این عمل

«استغفار» و ذکر «یا فعّال» است و تکرار اسم «یا باسط» بسیار نماید. و چون سالک به این مرحله رسید مأذون است بقیّه مرحله نفی خاطر را به وسیله ذکر نفسی خیالی اتمام نماید تا خاطر بالمّرّة مندفع گردد زیرا بقایای خواطر ان شاء الله به دخول در مراتب ذکر و فکر خود به خود مندفع خواهد شد». انتهى ملخصه. صفحه ۱۴۳ تا ۱۴۵ رساله لب اللباب فی سیر و سلوک اولوالالباب ۱. حال با توجه به متن بالا این نحوه نفی خواطر مورد تایید می باشد و اشکالی در آن نیست؟ کمی شرح دهید ۲. اگر این نحوه نفی خواطر مورد تایید نیست؟ به چه نحو و چه کیفیتی باید نفی خواطر کرد چون این را می دانیم که خواطر امر حادث و علتی دارند و مهم نحوه برخورد با آنهاست؟ ۳. از چه اذکاری با نفی خواطر باید بهره برد به چه کیفیت؟ لطفا کمی شرح دهید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده سال‌های قبل این متن را دیدم ولی در جمع‌بندی، دستور آیت الله جوادی را راحت‌تر می‌دانم که می‌فرمایند بهترین ذکر، یاد مرگ است. و در این فضا دستورات شرعی و عبادات در جای خود قرار می‌گیرد. لذا بیشتر به مباحث معاد باید پرداخت تا ان شاء الله بشود همواره خود را در قیامت احساس کرد. موفق باشید